

## الزامات راهبرد تجهیز رسانه‌ای در برخورد با فساد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

منوچهر محمدی\*

سید محمد معصومی\*\*

### چکیده

راهبرد تجهیز رسانه‌ای و الزامات موثر حاکم بر آن از جمله مهمترین راهکارهای مقابله کننده با معضل فساد سیاسی در کشورهای برخوردار از نظام‌های مردمی است. فرضیه این است که مردم آگاه از مسائل تاثیرگذار حکومتی نظارت و کنترل بهتری بر رفتار کارگزاران سیاسی خواهند داشت و ارتکاب فساد دشوارتر خواهد شد و رسانه در صدر این آگاه‌بخشی عمومی قرار دارد. سؤال اصلی نیز این است که برای تجهیز جامعه رسانه‌ای در ایران جهت مقابله کارآ با پدیده فساد می‌بایست چه اصول و الزاماتی را لحاظ کرد؟ پژوهش با این علت یابی که عامل اصلی بروز فساد سیاسی ناآگاهی عمومی در خصوص این پدیده و پیامدهای آن است ورود رسانه را جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به هزینه‌های کلان فساد و شیوه‌های مواجهه با آن پیشنهاد می‌دهد و با طرح همه جانبه الزاماتی که می‌تواند جامعه‌ای رسانه‌ای را در این ارتباط توانمند سازد به هدف نوآورانه خود که بیان تخصصی، کامل و شفاف این موارد است می‌پردازد. الزامات نه گانه‌ایه همانند استقلال رسانه‌ای که مستلزم حمایت‌های تضمین شده قانونی از جامعه رسانه است، تخصص گرایی که به کشف و افشاء هر چه بهتر فساد بعنوان یک پدیده پیچیده و کمک به تدوین راهبردهای کلان مقابله با این

mmasomi@gmail.com

prof.mohammadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۲۵

\*. استاد دانشگاه تهران

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۸

کژروی می‌انجامد و تامین مالی مناسب رسانه‌ها که سبب بیان آزادانه و غیرمحافظة کارانه نظراتشان و عدم همکاری با باندهای فساد می‌گردد. الزاماتی که هر یک به نوبه خود به ارتقا و توانمندی هر چه بهتر این راهبرد می‌انجامد.

## واژگان کلیدی

فساد، فساد سیاسی، رسانه، تجهیز رسانه‌ای، راهبرد

### ۱. طرح مسئله

فساد و به طور خاص نوع سیاسی آن سابقه‌ای به قدمت جامعه بشری دارد و مختص هیچ دوره خاصی در تاریخ سیاسی جهان نبوده و اختصاص به هیچ کشور معینی هم ندارد. گرچه شکلی که فساد سیاسی به خود گرفته، در طول تاریخ و از یک جامعه به جامعه دیگر تغییر یافته است، لیکن هم در نظام‌های حکومتی سلطه‌طلب و هم در نظام‌های حکومتی دموکراتیک بیماری شایع به شمار می‌آید که افزایش‌های چشمگیر در بروز آن غالباً با تغییر ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی ملازمه دارد. در جهان کنونی نیز هیچ کشوری ولو با هر میزان ثروت و قدرت و سطح بالای پیشرفت و بسط و تکامل دموکراسی و مشروعیت مردمی نمی‌تواند مدعی مصونیت از پیامدهای مخرب فساد سیاسی باشد. پیامدهای مخرب و زیانبار فساد حد و مرز نمی‌شناسد. فساد سیاسی بیشتر از همه باعث کندی روند توسعه در همه جهات شده و توانایی حاکمان را در ارائه خدمات مورد نیاز مردم کاهش می‌دهد، فقر را گسترش داده و از میزان اثربخشی و مشروعیت حاکمیت می‌کاهد؛ امنیت و ثبات جوامع را به خطر انداخته و ارزش‌های اخلاقی و دینی را مخدوش می‌سازد و در نهایت با تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی حاکمیت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها باعث قطع امید به آینده‌ای بهتر در سطح کلان جامعه خصوصاً نخبگان می‌گردد.

فلذا موضوع فساد و توجه به ماهیت و راهکارهای مقابله با آن دغدغه بسیاری از دولتمردان، مصلحان اجتماعی و متفکران سیاسی در طول تاریخ بشریت بوده است. کشور ایران و نظام‌های سیاسی حاکم بر آن نیز تاکنون از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و اثرات مخرب فساد سیاسی را بارها و بارها مشاهده نموده‌اند و تلاش‌های متنوعی در جهت مقابله با این معضل انجام داده‌اند. باید دقت داشت که اساساً فساد یک معضل و آسیب یکپارچه و متمرکز نیست که بتوان آن را از طریق راه حل و راهبردی تک بعدی کنترل و از میان برداشت، بلکه مقابله واقعی با آن مستلزم استفاده از رهیافتی

کلان نگر، جامع و چند بعدی است. اگر فرآیند مبارزه موثر و منطقی با فساد را شامل تشخیص بیماری و سپس پیشگیری و درمان آن بدانیم علاوه بر اهمیت انجام مطالعات آسیب شناسانه ضرورت تدوین سیاست و راهبردهای منطبق بر شرایط داخلی و بومی هر کشور کاملاً آشکار خواهد بود.

از این میان آن چه امروز با توجه به ارزش‌های والا و اساسی انقلاب اسلامی ایران که واکنشی بر حکومت جریان فساد در عصر پهلوی بر کشور بوده است و واجد اهمیت و اعتبار است، تدوین راهبردهای علمی، کلان، کاربردی و بومی در برخورد با این پدیده شوم و مخاطره آفرین است. این یک واقعیت تاریخی و مسلم است که جمهوری اسلامی ایران وارث یک نظام سیاسی، حاکمیتی و اداری کاملاً ناکارآمد و درافتاده به ورطه انواع و اقسام فساد بوده و در کنار آن نیز عملکرد غلط و شرایط گریزناپذیر سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و غلبه نگاه تکنوکراتی و سرمایه‌داری بعضی از دولت‌های پس از جنگ نیز به پاره‌ای از ابعاد این آسیب دامن زده است و به هر ترتیب حاکمیت این نظام را در چهاردهمین دهه حیاتش که به نوعی دهه تثبیت آن است بیش از پیش نیازمند برخورداری از مجموعه راهبردهایی نموده که بتواند ریشه این انحراف را در بدنه نظام بخشکند و زمینه کارآمدی هر چه بهتر آن را فراهم آورد. طبیعی است تقریر حاضر مجال پرداخت جامع و مانع به این دست از راهکارها را ندارد و صرفاً به یکی از این برنامه‌ها و تدابیر تحت عنوان راهبرد تجهیز رسانه‌ای خواهد پرداخت که به زعم بسیاری از صاحب نظران از پتانسیل بالایی جهت مقابله با پدیده فساد و به طور ویژه نوع سیاسی آن برخوردار است و می‌تواند در زودودن این آسیب از چهره نظام و انقلاب نقش قابل توجهی بازی نماید.

فرضیه اصلی این نبشته این است که مردم آگاه از مسائل تاثیرگذار حکومتی نظارت و کنترل بهتری بر رفتار کارگزاران سیاسی خواهند داشت و ارتکاب فساد دشوارتر خواهد شد و رسانه در صدر این آگاه بخشی عمومی قرار دارد. برای این مهم ابتدا مفهوم فساد سیاسی مورد هويت شناسی قرار می‌گیرد و در ادامه چهارچوب نظری مقاله مبتنی بر علت شناسی فساد سیاسی مورد توضیح خواهد بود تا جایی که چرایی تو سل به راهبردی تحت عنوان تجهیز رسانه‌ای مشخص گردد. در ادامه اول اهمیت و ضرورت این راهبرد و سپس الزامات اصلی آن که قسمت مهم این تقریر است بیان خواهد شد و در نهایت جمع‌بندی مطالب ارائه خواهد گردید. هدف اصلی از این تقریر توصیف و تشریح برنامه‌ای است که در صورت رعایت الزامات آن در نظام سیاسی ایران شاهد مقابله‌ی موثرتر و کارا تر با آسیب فساد سیاسی در نظام خواهیم بود. هم چنین این تقریر تلاش دارد تا در ایجاد ادبیات علمی و دانشگاهی در حوزه مقابله با فساد سیاسی و رفع فقرکاری موجود در این حوزه حرکتی شایسته

انجام دهد. برای رسیدن به این مهم روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه، روش توصیفی و تحلیلی است همراه با توجه ویژه به پژوهش‌ها و پیمایش‌های انجام شده‌ای منجر به گردآوری داده‌ها و اطلاعات لازم در این خصوص.

## ۲. مفهوم شناسی پژوهش و چهارچوب نظری آن

ارائه تعریفی تعمیم‌پذیر و غیرمتناقض از فساد سیاسی ممکن نیست، چرا که هر گونه تعریفی از فساد سیاسی مفهومی از سیاست "غیر آلوده به فساد" را مفروض می‌گیرد. چنین برداشتی متضمن داوری‌های هنجاری در مورد ماهیت و واقعیت سیاست و تحریف بالقوه آن می‌باشد. (هیوود، ۱۳۸۱، ۲۴) با این همه فساد سیاسی عمدتاً متوجه فعالیت بازیگران سیاسی در حوزه عمومی است به همین دلیل در مفهوم شناسی این موضوع، برخی سخن از مفهومی تحت عنوان «سیاستمداران تجارت پیشه» بر زبان آورده‌اند، یعنی گروهی از سوداگران سیاسی که مفهوم میانجیگری و واسطه‌گری سیاسی را در معنای سنتی آن با واسطه‌گری در معاملات تجاری و مالی که عمدتاً غیرقانونی و خلاف ضوابط دولتی و اداری می‌باشند ادغام نموده و در فعالیت اقتصادی حضور و شراکتی مستقیم و دائم دارند. (رحمت‌الهی، ۱۳۸۳، ۱۲۱)

اساساً فساد سیاسی در بالاترین سطح اقتدار سیاسی صورت می‌پذیرد. این شکل از فساد هنگامی اتفاق می‌افتد که بازیگران اصلی عرصه سیاست، سیاستمداران شاخص و تصمیم‌گیران سیاسی که برای تنظیم، ایجاد و اجرای قوانین از طرف مردم مکلف هستند خودشان فاسدند و مرتکب انواع و اقسام رفتارهای مفسدانه در طول حیات سیاسی وحدت زمامداری‌شان می‌شوند. (ربیعی، ۱۳۸۳، ۳۵) بنابر این تحلیل می‌توان گفت: فساد سیاسی رفتار یک مقام رسمی و سیاسی (منتخب) است که از وظایف و اختیارات، حقوق و تعهدات منحرف شده است و از مقام رسمی خود برای بهره‌برداری شخصی سوء استفاده نموده است. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸، ۱۹) به تعبیر دیگر فساد سیاسی عبارت است از سوء استفاده از قدرت دولتی واگذار شده به وسیله رهبران سیاسی برای کسب منافع خصوصی و شخصی که عمدتاً با هدف افزایش قدرت و ثروت صورت می‌پذیرد. فساد سیاسی سلسله‌گسترده‌ای از اعمال غیر قانونی و جرایمی را شامل می‌شود که رهبران سیاسی چه قبل و بعد یا در حال انجام خدمت دولتی مرتکب می‌شوند که این تعریف مختار این تقریر نیز می‌باشد.

اما در حوزه علت شناسی فساد سیاسی ادبیات نظری در این ارتباط بیانگر این واقعیت است که علل فساد سیاسی را می‌توان در دو سطح عمده، علل ساختاری یا نهادی و علل اجتماعی و

فرهنگی طبقه بندی نمود. در حوزه علل اجتماعی و فرهنگی می‌توان وجود موارد ذیل را در بروز این پدیده موثر دانست:

- ناآگاهی عمومی در خصوص ماهیت فساد، شیوه‌های ارتکاب، اثرات مخرب آن و شیوه پیشگیری و مقابله موثر با این پدیده؛
- تبعیت کارگزاران سیاسی از علقه‌های شخصی، حزبی و فامیلی به جای رعایت و تقید ضوابط عینی؛
- فقدان شفافیت اجتماعی لازم در رفتار سیاسی و حاکمیتی دولتمردان؛
- وجود بحران‌های مشروعیت و مشارکت اندک در بدنه حاکمیت ناشی از نبود پایگاه اجتماعی لازم؛
- انحصارگرایی سیاسی به معنای سیطره یک حزب یا طیف خاصی از نخبگان بر فرایندهای سیاسی و اقتصادی.

مطابق این دیدگاه افزایش آگاهی عمومی نسبت به هزینه‌های کلان فساد برای توسعه اقتصادی و سیاسی کشور و شیوه‌های پیشگیری و مقابله با این معضل، وجود سازوکارهای تسهیل کننده در دسترسی آزاد به اطلاعات در همه عرصه‌های حاکمیتی و اجتماعی، آگاهی فعال جامعه از میزان دارایی و درآمدهای مسئولین و میزان کمک‌های سیاسی به دولتمردان و احزاب، حضور دائم و موثر رسانه و اصحاب آن در عرصه مقابله با فساد (که دعو این تقریر توصیف همین راهبرد و برنامه است) و در کل ورود تمامی اعضای یک جامعه به عرصه مقابله با فساد و پیش‌بینی مکانیسم‌های لازم جهت کارآمدی این حضور امری لازم و ضروری است. صد البته این ورود و خواست عمومی می‌بایست مؤیدی تحت عنوان اراده سیاسی حاکمیت را نیز به همراه خود داشته باشد به گونه‌ای که با استمداد از بسیج شهروندان و نخبگان مبارزه با فساد و اقسام آن در صدر دستور کار سیاسی قرار گیرد. (ابراهیم آبادی، ۱۳۸۳، ۱۰ - ۹)

### ۳. اهمیت و ضرورت راهبرد تجهیز رسانه‌ای

در کشورهای برخوردار از نظام مردمی از رسانه‌های گروهی به عنوان قوه چهارم حاکمیت در کنار سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه یاد می‌شود که این تعبیر خود رساننده ارزش بی‌مثال این پدیده در جوامع نوین بشری است. مهم‌ترین وظیفه‌ای که رسانه‌ها بر عهده دارند، بالا بردن آگاهی‌های مردم و انعکاس دیدگاه‌های آنان است. رسانه‌ها با توجه به نقشی که در برقراری ارتباط میان حاکمیت و مردم دارند می‌توانند نقش مهم و ویژه‌ای در مبارزه با پدیده فساد و به ویژه قسم و شکل فساد سیاسی بازی کنند. این نقش می‌تواند در قالب ایجاد پاسخگویی بیشتر و با کیفیت‌تر از سوی مقامات مسئول

دولتی، تحقیق و تفحص در خصوص علل موجه فساد و راهبردها، استراتژی‌ها و سیاست گذاری‌های کلان و جزءنگر مقابله با آن و افشای موارد پنهان فساد و همینطور بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی مردم در این حوزه متجلی شود.

جامعه و مردم آگاه از مسائل کلان تاثیرگذار بر خود در موقعیتی قرار می‌گیرند و انتظاراتی پیدا می‌کنند که از طریق آنها می‌تواند به کارگزاران حکومتی این فشار را وارد کند تا آنان همواره استانداردهای اخلاقی و رفتاری که به دوری آنان از فساد می‌انجامد را حفظ و رعایت کنند. (بهره‌مند، ۱۳۸۸: ۵۵)

در یک نگاه کلی و مختصر می‌توان گفت که عملکرد رسانه‌ها از جهات ذیل برای مبارزه با فساد مفید فایده خواهد بود:

- افشای موارد و مصادیق فساد در رسانه‌ها هزینه‌های اجتماعی و سیاسی آن را برای مرتکبین افزایش می‌دهد؛
- گزارش فساد در رسانه‌ها به شکل نیرومندی مانع اعمال نفوذ نابخق و غیرقانونی افراد صاحب منصب و قدرت جهت مسکوت نگاه داشتن و عدم پیگیری پرونده‌های فساد در مراجع ذی صلاح می‌شود؛
- رسانه‌های جمعی مستقل و آزاد ابزار نیرومند برای آگاهی افکار عمومی از رویدادهای جامعه و اطلاع کافی و وافی شهروندان از ماهیت واقعی، و پاکی و ناپاکی آنان در ارتباط با رفتارهای فساد آلود است؛
- جریان آزاد اطلاعات و خبررسانی رفتارهای حاکمیتی از منظر دیدگاه‌های مختلف سیاسی در یک جامعه مردم سالار و دارای حق آزادی سبب می‌شود تا رسوایی‌های اقتصادی و سیاسی مقامات سیاسی و دولتی همواره فاش شود؛
- رسانه‌ها از طریق افزایش آگاهی عمومی و به دنبال آن همکاری، معرفی و همراهی با برنامه‌ها و راهبردهای کلان حاکمیتی در برخورد با فساد زمینه افزایش اعتماد عمومی به دولت را در امر مبارزه با فساد فراهم می‌کنند و از این طریق کمک قابل توجهی به کاهش فساد می‌نمایند. (خسروی، ۱۳۸۱: ۲۸)

#### ۴. اصول و الزامات نه گانه ناظر بر راهبرد تجهیز رسانه‌ای

اصول و الزامات نه گانه‌ای که می‌توانند موفقیت و اثرگذاری راهبرد تجهیز رسانه‌ای را تضمین کنند

و به نوعی پیش شرط‌های اصلی موفقیت و کارآمدی در راهبرد تجهیز رسانه‌ای هستند به قرار و شرح ذیل هستند:

#### ۴ - ۱. آزادی و استقلال رسانه‌ای

با توجه به ماهیت فساد سیاسی که عمده مرتکبین آن، بیش از آن که از دادگاه و صدور حکم مجازات بترسند، نگران خدشه‌دار شدن اعتبار، و سرمایه اجتماعی خود و هم حزبی‌هایشان هستند، گزارشات و افشاگری‌های سیاسی رسانه‌ها در خصوص مقوله فساد هر چند لزوماً بیطرفانه و صحیح هم نباشد اما در مقام عمل می‌تواند دولتمردان زیادی را به ویژه افراد متمایل به ارتکاب فساد را از انجام آن منصرف نماید و پی‌شگیری خوب و موثری را در این حوزه به منصفه ظهور رساند. اما این اثرگذاری مثبت خود منوط به این واقعیت است که یکی از بنیادی‌ترین پیش شرط‌های پرداختن به فساد یعنی آزادی و استقلال رسانه‌ها متحقق شود. در واقع مطالعات تجربی زیادی نشان می‌دهد که همبستگی منفی و متقابلی بین فساد و آزادی و استقلال رسانه‌ها وجود دارد. (گیوریان، ۱۳۹۱: ۹) آزادی و استقلال بیشتر رسانه‌ها در امر اطلاع رسانی و افشاگری با فساد سیاسی کمتر و بالعکس آزادی و استقلال کمتر رسانه‌ها با فساد سیاسی بیشتر همراهی و ملازمت دارد. بنابراین یکی از راهکارهای کاهش و مقابله با پدیده فساد از منظر راهبرد تجهیز رسانه‌ای بهبود کیفیت آزادی و استقلال رسانه‌هاست. (بیگلر، ۱۳۹۳: ۹۴)

این که ما از رسانه‌ها بخواهیم تا آنها به ایفای نقش خود بعنوان «افشاگر» اعمال حکومت از جمله اعمال فساد آلود بپردازند، مستلزم حمایت‌های تضمین شده قانونی از آنان است و رسانه‌ها در این زمینه نیازمند تضمین مشخص برای بحث نامحدود راجع به امور عمومی و حاکمیتی از طریق تامین آزادی بیان یا تعرض ناپذیری اطلاعات محرمانه هستند و به عنوان یک نهاد باید از امکان سازمان‌دهی و استقلال عمل برخوردار باشند. بنابراین اصحاب رسانه به ویژه روزنامه نگاران را نباید مجبور به افشای منابع اطلاعاتی‌شان نمود. (پآتی افوسو، ۱۳۸۴: ۳۸ - ۳۶)

سهم رسانه‌ها در مبارزه با فساد در تلاقی با اصل آزادی و استقلال رسانه‌ای و محدودیت‌ها و استثناتی که در این ارتباط وجود دارد به سه شرط اساسی مهم و بستگی دارد:

اول: گزارش و افشای اطلاعات در اصل نباید با هیچ محدودیت خاصی رو در رو باشد، به جز آن گروه از محدودیت‌هایی که بنا به قاعده مصلحت و اقتضاء و احترامات لازم و قانونی بر این روند تحمیل می‌شود و نیز آن دسته از محدودیت‌هایی که ناشی از رعایت اخلاقی حرفه‌ای در حوزه رسانه

است؛

دوم: رازداری حرفه‌ای و مطابق با کدهای رفتاری ناظر بر این حوزه که باید به عنوان وظیفه حفظ منابع اطلاعاتی افشاء کننده موارد فساد تضمین گردد؛

سوم: اهالی رسانه باید به هر قسم از اطلاعات تخصصی و کمک کننده در حوزه منافع عمومی و اجتماعی دسترسی مفید و موثر داشته باشند به استثنای آن دسته از مواردی که به توسط مقام مقنن استثنا گردیده باشد. (Global action against corruption; 2004: 56)

در واقع اگر دسترسی به موقع و موثر اهالی رسانه به اطلاعات تضمین نشده باشد، نمی‌توان از آنها انتظار تاثیرگذاری مثبت و در خور توجه بر روند اجرای راهبردهای مقابله با فساد را داشت. فلذا تصویب قوانینی منسجم که در آنها حق دسترسی عمومی به اطلاعات به ویژه از طریق رسانه‌ها به رسمیت شناخته شده باشد پیش شرطی ضروری در اجرای این راهبرد و رعایت الزام آزادی بیان و استقلال حرفه‌ای برای رسانه‌هاست.

یکی از مهمترین راه کارهای حفظ آزادی بیان و استقلال رسانه‌ای و تبدیل رسانه به نهادی قدرتمند و دارای مقام بازدارندگی در مقابله با پدیده فساد واگذاری مالکیت رسانه‌ها به بخش خصوصی یا بطور کامل و یا در میزانی قابل توجه و متناسب است به نحوی که در مقام مدیریت و سیاست گذاری مستقل از بدنه دولتها و یا احزاب سیاسی به ایفای نقش خود پردازند.

اگر کسری از رسانه‌های اثرگذار و دارای سرمایه اجتماعی بالا متعلق به بخش خصوصی باشند و بتوانند آزادانه و فارغ از هر خوف و رجائی و یا ترس از انتقامی از دولت و بدنه سیاسی آن انتقاد کنند، طرح مباحث عمومی از جمله پدیده فساد امکان پذیر و تسهیل می شود و در واقع وزن افکار عمومی را در نگاه حاکمان سیاسی افزایش می‌دهد. در صورت وابستگی مالکیتی و یا بودجه‌ی رسانه‌ها، آن هم در سطحی وسیع و قابل توجه به بدنه حاکمیت و یا احزاب سیاسی دارای جایگاه و آرا در جامعه تنها با مفهوم آزادی و استقلال اسمی مطبوعات رودررو خواهیم بود. (راغفر، ۱۳۸۱: ۳۲۵)

در واقع اگر رسانه‌ها به واسطه خصوصی بودن دور از نظارت‌های دولتی و با استفاده از تجربیات مدیران سالم، مستقل و شایسته اداره شوند، همزمان با حرکت‌های منسجم گروه‌های مخالف در آشکار نمودن خلاف‌های متصدیان دولتی و اعضای حزب و جریانات سیاسی حاکم می‌توانند پرده از حمایت غیر قانونی و نمونه‌های سودجویی و در یک کلام رفتارهای فساد آلود در تمامی بخش جامعه بردارند. (رهبر، ۱۳۸۱، ۱: ۳۵۰)

در نهایت می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که خصوصی سازی رسانه‌ها در افقی وسیع، به توانمند



شدن، استقلال و افزایش ظرفیت رسانه‌ها در مبارزه با فساد منجر می‌شود. با این همه چون این امکان وجود دارد که فساد در بخش خصوصی نیز رسوخ کند و یا این که دولتها نیز جهت بیان برنامه‌ها، راهبردها و کارهای انجام داده خود در روند مبارزه با رفتارهای فساد آلود نیازمند استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای باشند، به نظر می‌رسد ترکیبی از رسانه‌های خبری و دولتی و خصوصی می‌تواند راه حل مطلوب باشد. حضور رسانه‌ها با مالکیت‌های مختلف نقد و فضای آزاد رسانه‌ای و تضارب آرا را به وجود می‌آورد و نوعی رقابت رسانه‌ای را سبب می‌شود که از این جریان در زمینه مبارزه با فساد می‌توان به بهترین وجه ممکن استفاده نمود. (آرایی، ۱۳۹۱: ۹۰)

یکی دیگر از راه‌های حفظ استقلال رسانه‌ها این است که با تشویق آنها موجبات طراحی و اجرای استانداردهای رفتاری مناسب (کدهای رفتاری) مربوط به این حرفه را به نحوی که موجبات بیطرفی هر چه بهتر و بیشتر آنان را در روند مبارزه با پدیده فساد فراهم آورد تا به این وسیله رسالت رسانه‌ها از حالت انتزاعی خارج شده و ملموس شود. (بهره‌مند، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

این استانداردهای رفتاری را حتی می‌توان در قالب مقررات استقلال حرفه‌ای روزنامه نگاری و سایر حرفه‌های رسانه‌ای تهیه و تدوین نمود و در واقع آن را تخصصی نمود. در این دسته از مقررات می‌توان مواردی هم چون تعریف قانونی روزنامه‌نگار حرفه‌ای، چگونگی صدور کارت هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگار، پیمان جمعی کار روزنامه‌نگاران، شورای مطبوعاتی یا رسانه‌ای حراست کننده از آزادی مطبوعات و اطلاعات ناظر بر تحقق معیارهای علمی و تخصصی روزنامه‌نگاری و اجرای اصول اخلاق حرفه‌ای و کدهای رفتاری مناسب این دسته از حرف را ثبت و تصویب نمود (محسنیان، ۱۳۸۷: ۱۶) و از این رهگذر اثر مثبت و ویژه‌ای بر تحقق الزام استقلال رسانه‌ای در راهبرد تجهیز رسانه‌ای نهاد.

#### ۴ - ۲. تخصص‌گرایی رسانه

ماهیت فساد سیاسی، پیچیدگی و تنوع روشهای ارتكابی آن؛ انجام به توسط دولتمردان و جریان‌های منتقد سیاسی و عمده به صورت باندى، پنهانی و بعضاً از مجرای قوانین ناقص و قابل سوء استفاده سبب شده است تا رسانه‌ها در پیگیری ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، حقوقی و حتی اجتماعی فساد نیازمند برخورداری از تخصص‌های مختلف و متنوع و مناسب جهت کشف و افشاء موارد فساد باشند. همچنین اگر قرار بر این باشد که رسانه‌های جمعی در امر سیاست‌گذاری مبارزه با فساد و تهیه و تدوین استراتژی‌های کلان مبارزه کننده با این امر نقشی موثر و توانمند بازی کنند و بتوانند حاکمیت

و در صدر آن نهادهای تخصصی ضد فساد را به خوبی یاری و همراهی کنند الزام برخورداری از تخصص‌های متفاوت و ضروری در این حوزه ارزش و اهمیتی دو چندان می‌یابد. اگر قرار بر این باشد که رسانه و اصحاب آن در مسیر مبارزه با فساد از جامعیت، سرعت و دقت کافی برخوردار باشند، مخاطب‌گرا، فرهنگ‌ساز و معتقد به اصول و مبانی مکتبی و شفافیت‌آور باقی بمانند و بدون سوگیری و با جلب اعتماد عمومی در مسیر پیام‌رسانی مناسب حرکت کنند و از فضای داخلی و خارجی برای تنویر افکار عمومی نسبت به مسأله فساد استفاده کنند لازم است تخصص‌گرایی را در حوزه‌های مختلف رسانه‌ای اعم از نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مورد توجه ویژه قرار دهند. (نجات بخش، ۱۳۸۷: ۱۳۸)

رسانه‌ها از چهار طریق می‌توانند به اطلاعات تخصصی لازم و ضروری در حوزه مبارزه موثر با فساد دست یابند:

اول: از طریق آموزش کارکنان، خبرنگاران، مدیران صفحات و دبیران کارگروه‌های تخصصی، و در واقع بالا بردن سطح سواد رسانه‌ای ایشان. این آموزش می‌بایست حتی‌المقدور روزآمد، علمی و با استفاده از اساتید تخصصی در این حوزه صورت پذیرد و این امکان را به رسانه‌ها بدهد که با نیروی انسانی متخصص و آگاه به استقبال برخورد با پدیده فساد بروند و دچار اشتباهات شناختی و معرفتی نسبت به آن نشوند؛

دوم: از مجموعه منابع تخصصی در این حوزه، همانند نهادهای مقابله‌کننده با فساد و بانک‌های اطلاعاتی آن، آژانس‌های خصوصی پژوهشی و عملیاتی مبارزه‌کننده با این معضل، پژوهشگران علاقمند به کار در این حوزه صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی فعال در این ارتباط مشورت گیرند و از ایشان نظرخواهی نمایند و یا حتی با مجموعه‌های تخصصی پیمان‌نامه‌های تبادل اطلاعات و ایده امضا نمایند؛ (Langhest 2004: 311)

سوم: از طریق آشنایی جامعه رسانه با تجربیات موفق دیگر کشورها، قوانین و تجربیات عملی محل استفاده اسناد و مدارک بین‌المللی و منطقه‌ای، تفاهم‌نامه‌های کشورها برای مبارزه با فساد در سطح فراملی و حتی منابع علمی و دانشگاهی دیگر کشورها. (Pope, 2000: 101)

چهارم: تشکیل کارگروه‌های تخصصی رسانه‌ای و ایجاد تشریک مساعی با دیگر اصحاب رسانه چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی. این کارگروه‌ها می‌تواند به خوبی زمینه ایجاد یک نگاه تخصصی و عالمانه به پدیده فساد را در سطح رسانه‌ها به وجود آورد. بدیهی است در فرض وجود رسانه‌های مستقل و عاری از شائبه سیاسی‌کاری و دولتی بودن و وجود الزام آزادی بیان و استقلال

در بدنه جامعه رسانه‌ای، فقدان تخصص گرایی و نگاه عالمانه و آگاه به پدیده فساد میتواند عواقب و نتایج وخیمی را در پی داشته باشد.

در این حالت رسانه‌ها توان ارائه یک نگاه انتقادی، جامع و اصلاح‌آور را نسبت به راهبردها و برنامه‌ها و تدابیر اعمال شده دولتی نسبت به پدیده فساد نخواهند داشت و چون در تجزیه و تحلیل این پدیده موفق نیستند و نمی‌توانند پیچیدگی‌های خاص این مقوله را درک و تشریح نمایند لذا در دعوت اعضای جامعه جهت همکاری با متولیان امر مبارزه با فساد و ایجاد یک جنبش اجتماعی ضد آن ناموفق خواهند بود. (Langhest, 2004: 312)

همچنین رسانه غیر متخصص می‌تواند خواست‌گاہ توجیه غیرمنطقی و غیرعلمی رفتارهای مفسدانه شود و به جای بالا بردن سطح شفافیت اجتماعی، زمینه ایجاد هرج و مرج شناختی و معرفتی مخاطبان خود را فراهم آورد و از یک فرصت موثر به یک چالش جدی در برخورد با معضل فساد سیاسی تبدیل شود.

#### ۴ - ۳. در دسترس و سهل‌الوصول بودن

این یک اصل کلی و غیر قابل انکار در حوزه رسانه است که، رسانه برتر و کارآمد، رسانه‌ای سهل‌الوصول در دسترس و ساده از لحاظ استفاده برای مخاطب خود است اگر ایجاد حرکت‌های تبلیغی و اجتماعی با مخاطب همراه بسیار را از جمله وظایف اصلی رسانه در برخورد با معضلات یک اجتماع بشری بدانیم، ایجاد تعامل بین فردی، تعامل گروهی و تعامل با ساختارهای مردم سالار جامعه ارزشی دو چندان می‌یابد (نجات بخش، ۱۳۸۷: ۱۳۹) و این قابل تحقیق و تحقق نیست مگر از طریق دسترسی آسان و مطلوب به محتویات ارزشمند یک رسانه.

حال در موضوع فساد نیز این الزام واجد اهمیت و ارزشی خاص است. چرا که ارتباط همیشگی، مستمر، و به روز رسانه با جامعه می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد عمومی به اخبار و اطلاعات و افشاگری‌های ارائه شده از جانب رسانه باشد و در نهایت عزم عمومی در مقابله با فساد را جدی کند و زمینه همکاری مطلعین واقعی از رفتارهای فساد آلود با برنامه‌های ضد فساد و جریان رسانه‌ای در این حوزه را بیش از پیش فراهم نماید. طبیعی است تحقق این الزام ارتباط ویژه و مستقیمی با توان مالی و مادی رسانه‌ها دارد. اگر پوشش خبری و تحلیلی بخش‌هایی از جامعه مستلزم استفاده از منابع دولتی و استفاده از یارانه مستقیم است، باید تلاش شود تا دولت نتواند با اتکا به این حربه در ارائه اخبار و اطلاعاتی که به نفعش نیست و یا ممکن است بر سرنوشت انتخاباتی‌اش اثر گذارد محدودیت خاصی

ایجاد کند. (معصومی، ۱۳۸۶: ۳۴)

راهکار دیگر در تحقق این الزام بها دادن به حوزه فناوری‌های نوین و استفاده از فضای مجازی و سایبر است. بدیهی است با رشد قابل توجه و محیر العقول استفاده کاربران از برنامه‌ها و محتویات عرصه شده در فضای اینترنت، رسانه‌های مختلف از جمله مطبوعات که شیوه‌های سنتی استفاده از انتقال پیام در قالب چاپ بر روی کاغذ را دنبال می‌کنند می‌توانند با عرصه محتویات خود در قالب نشریات و سایت‌های الکترونیکی دسترسی بهتر و سهل الوصول‌تری برای مخاطبان خویش فراهم آورند و در برخورد با معضل فساد از امکانات ویژه این فضا استفاده کنند.

#### ۴ - ۴. آموزش رسانه‌ای

همچنانی که در الزام تخصص‌گرایی گفته شد، آموزش اصحاب رسانه امری ضروری و حتمی است. بغیر از ضرورت تخصص، حتی تحقق الزام استقلال رسانه‌ای و عدم عدول از اصل آزادی بیان در مقام عمل و آگاهی و علم ویژه به قواعد دسترسی آزاد به اطلاعات نیز جز با انجام دوره‌های آموزشی مشخص و مفید قابل تحقق نیست. اگر نقد قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با پدیده فساد را که در کارآمدی یا عدم کارآمدی نظام سیاسی در برخورد با فساد به شدت موثر است از وظایف ذاتی اصحاب رسانه بدانیم، آموزش حقوقی رسانه‌ها که آموزشی فربه، وقت‌گیر و ظریف است، مهم و حیاتی تلقی می‌شود چرا که رسانه‌ها می‌بایست پیام‌های کیفری ضد فساد را که بیان آن از مدخل رسانه ایجاد کننده نوعی پیشگیری اجتماعی است به شکل متناوب و برنامه ریزی شده به مردم انتقال دهند در عین حال توان نقد و ارزیابی این دسته از قوانین و آیین‌نامه‌ها را داشته باشند. از این جهت است که در بسیاری از کشورها اهالی رسانه باید فنون تحقیق، استانداردهای حرفه‌ای و مواردی از این قبیل و در یک کلام خبرنگاری جستجوگر و پژوهشی را بیاموزند و از رهگذر این آموزش‌ها با افزایش میزان مهارت خود موجبات ارتقای حس جسارت و تعهد در میان نیروهایشان را به نحو احسن فراهم آورند. (رهبر، ۱۳۸۱، ۲: ۱۷۲) خبرنگاری جستجوگرانه و پژوهشی را می‌توان فرایند جمع‌آوری واقعیات درباره رخدادهای جاری به منظور اطلاع رسانی عمومی از طریق روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون و در یک کلام جامعه رسانه دانست. طبیعی است اجرای این فرایند مستلزم وجود خبرنگارانی است با مهارت‌های بی نظیر که آموزش‌های لازم را فرا گرفته‌اند به ویژه مهارت‌های پژوهشی، ارتباطی و تحلیلی که می‌تواند نفوذ کار آنها را افزایش دهد. اگر جامعه رسانه‌ای بخواهد اخبار را به شکل عادلانه و دقیق پوشش دهد و منتشر نماید باید دانش و ابزارهای لازم را برای آن به دست آورد. لاجرم در

نتیجه آموزش مناسب می‌توان کیفیت کار خبرنگاران و پژوهشگران رسانه‌ای عرصه فساد را ارتقاء بخشید و امکان اعتماد به رسانه‌ها را چه در حوزه خبر و چه در حوزه تحلیل به خوبی فراهم آورد. (آرایی، ۱۳۹۱: ۹۴ - ۹۳)

#### ۴ - ۵. تامین مالی مناسب رسانه

یکی از الزامات مهم و موثر حاکم بر راهبرد تجهیز رسانه‌ای، برخورداری رسانه از منابع مالی مناسب، مستقل و شفاف در مسیر مبارزه با فساد است. محدودیت‌های مالی و بودجه‌ای می‌تواند به عنوان یک چالش جدی و مخاطره‌آور راهبرد تجهیز رسانه‌ای را با شکست رودررو سازد.

رسانه‌ها جهت برگزاری دوره‌های تخصصی و آموزشی ضد فساد، ایجاد کانال‌های امن ارتباط با مخاطبان، در دسترس و سهل الوصول بودن، روزآمدی و استفاده از فناوری‌های نوین و از همه مهمتر نیفتادن و نلغزیدن به ورطه محافظه کاری و عدم افشای رفتارهای فسادآلود و در یک کلام حفظ استقلال خود نیازمند منابع مالی مناسب و مکفی هستند.

در واقع پیش شرط لازم برای استقلال بخشی به هر رسانه‌ای، عدم وابستگی آن از نظر مالی به بازار و جریان‌های سیاسی است و به همین دلیل استقلال مالی یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی رسانه‌های کارا و مستقل است. فشارها و مضایق مالی ممکن است هر صاحب رسانه‌ای را به سوی جانبداری از دولت یا صاحبان سرمایه یا جریان‌های فاسد در عرصه حاکمیت سوق دهد. رسانه‌ای که به طور مستقیم و تنها منابع مالی خود را از دولت حاکم و جریان‌های وابسته و موید به آن دریافت می‌کند به احتمال زیاد می‌باید در مقابل دولت متواضعانه‌تر، محتاط‌تر و گاه با اغماض و لاپوشانی رفتار کند که همین شیوه رفتاری می‌تواند جریان موثر مبارزه با فساد را به دشواری‌های بسیار رودررو سازد. (ساداتی، ۱۳۸۹: ۲۱۱)

به نظر می‌رسد برای برخورداری رسانه‌ها از منابع مالی مناسب باید یک سیکل ترکیبی و متنوع و در عین حال قانونی و منضبط پیش‌بینی و ترسیم نمود. هم دولت‌ها می‌بایست از طریق اعتبارات عمومی و در قالب پرداخت یارانه مستقیم، پیش‌بینی معافیت‌های مالی و اعطای تسهیلات کم‌بهره به رسانه‌ها کمک کنند و هم رسانه‌ها بتوانند از طریق ارتباط‌گیری شفاف و تحت نظارت با بخش خصوصی و از طریق مباحثی هم چون تبلیغات، تهیه و تدوین ویژه نامه‌های تخصصی و سفارشی و شرکت در فعالیت‌های اقتصادی مشروع به غنای مالی بیش از پیش و در عین حال مستقلانه از درآمدهای دولتی دست یابند.

#### ۴ - ۶. سلامت رسانه

اگر رسانه و اصحاب آن خواهان حضوری موثر در مبارزه با فساد هستند، خود ایشان می‌بایست نزد مردم و در قاطبه افکار عمومی از سلامت و اعتبار بالایی برخوردار باشند. اگر این باور در میان مردم رواج پیدا کند که رسانه‌ها برای کسی که بیشترین پیشنهاد را بدهد فروشی هستند و خود نیز فاسدند و به نظام‌مندی فساد کمک می‌کنند و یا این که غالباً افراد و سازمان‌های فاسد برای موجه جلوه دادن تصویر خود یا گمراه کردن اطلاعات مربوط به فعالیت‌هایشان از رسانه بهره‌وافر می‌برند آنگاه دیگر نمی‌توان امید به رسانه در مبارزه موثر با فساد داشت. (بهره‌مند، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

راهکارهای موثری جهت ایجاد سلامت در بدنه رسانه‌ها در امر مقابله با فساد قابل طرح و پی‌ریزی است که مهمترین آنها عبارتند از:

اول: پاسخگویی رسانه‌ها: در جایی که پاسخگویی مقامات دولتی و عمومی به مردم از طریق رسانه‌ها اصلی مهم و تخطی ناپذیر است، رسانه‌ها نیز در برخورد با افکار عمومی می‌بایست این اصل را رعایت کنند.

رعایت اصل پاسخگویی از سوی رسانه‌ها بدین معناست که آنها می‌بایست در خصوص گزارش‌ها، تحلیل‌ها، افشاگری‌ها، منابع اطلاعاتی و به طور کلی هر نوع تولیدی که در حوزه مقابله با فساد ارائه می‌کنند به شکلی شفاف و عاری از شائبه پاسخگو باشند. در واقع لازم است رسانه‌ها نیز به خوبی پاسخگوی رفتارهای خود به جامعه و افراد آن باشند و در کنار ادعای شفافیت‌آوری، مصداق اتم عمل به رفتارهای شفافیت‌زا و صادقانه باشند؛

دوم: خود کنترلی و خود تنظیمی رسانه‌ها

یکی از موثرترین راه‌کارهای ایجاد کننده سلامت در جامعه رسانه‌ای، خودکنترلی و خود تنظیمی رسانه‌ها در حوزه مقابله با فساد است. خود تنظیمی، خودآگاهی کارکنان رسانه‌ها و کدهای اخلاقی که اعضای این حرفه پذیرفته‌اند از مشخصات اصلی یک رسانه برتر و پاسخگو است. این تنظیمات که می‌تواند در قالب مجموعه‌های رفتاری حرفه‌ای متبلور شود تلاشی است به منظور ایجاد اصول و الزاماتی که به واسطه آنها اصحاب رسانه به شکل فردی و داوطلبانه از ورود به رفتارهای فسادآلود امتناع می‌ورزند و بر مفاد پیمان نامه‌های سلامت امضاء کرده باقی می‌مانند. رعایت این اصول از سوی رسانه‌ها و آگاهی جامعه از تعهد اخلاقی و حرفه‌ای این صنف به خوبی زمینه اعتماد مردم را فراهم نموده و جایگاه ایشان را از منظر اجتماعی در مقابله با پدیده فساد تثبیت می‌نماید. (آرایی،

۱۳۹۱: ۹۶)

سوم: نظارت بر رفتار رسانه‌ها

نظارت بر رفتار رسانه‌ها از این جهت که می‌بایست اصل استقلال و آزادی بیان حفظ و باعث ایجاد محدودیت در امر خبر رسانی نشود کاری دشوار و دقیق است. با این همه نمی‌توان اهمیت و ارزش آن را در ایجاد سلامت در اصحاب رسانه نادیده انگاشت.

این نظارت به دو صورت امکان طرح و اعمال دارد: اول در قالب نظارت از جانب حاکمیت که البته این نظارت می‌بایست محدود، شفاف و قانونی باشد و حتی‌المقدور در اختیار یک مرجع و نهاد مشخص قرار گیرد تا تعدد مراجع نظارتی سبب سخت‌گیری نامتعارف نگردد؛

و دوم در قالب نظارت رسانه‌ها بر یکدیگر و به شکل تاسیس انجمن‌های صنفی که از جمله وظایف آنها نظارت بر شفافیت و سلامت رسانه‌ها و خبرنگاران و کارکنان آنان باشد. این شکل از نظارت در قیاس با شکل اول بهتر و موثرتر است و امکان حذف و ساز سور از جانب حاکمیت را به بهانه تامین سلامت از میان برمی‌دارد. (pope, 2000:22)

#### ۴ - ۷. ارتباط موثر و کارآمد با اعضای جامعه

عمده نظام‌های مردمی که دغدغه برخورد جدی با پدیده فساد سیاسی را در سر می‌پروراند به این حقیقت به خوبی واقف‌اند که اگر راهبردهای مبارزه با فساد ولو از طراحی دقیق و عالمانه‌ای برخوردار باشند و بر اساس بهترین تحلیل‌ها و نظریات علمی و دانشگاهی تهیه و تدوین شده باشند اما در مقام عمل از حمایت جامعه و افراد و اعضای حقیقی و حقوقی آن برخوردار نباشند ره به جایی نمی‌برند و عقیم باقی خواهند ماند. رسانه در این میان به واسطه ارتباط‌گیری وسیع با ذهن و جان مخاطبان خویش توان ایجاد یک پشتیبانی مناسب و حقیقی از برنامه‌های مبارزه با فساد را دارا می‌باشد و از این حیث محل توجه و تامل است. البته این مهم وقتی رخ می‌دهد که رسانه چه در بعد کیفیت و نحوه اطلاع رسانی و چه در بعد میزان و کمیت عملکرد مطلوب و موثری داشته باشد و توان برقراری یک ارتباط اثرگذار و منطقی با مخاطبین خود را داشته باشد.

مهمترین جهاتی که می‌تواند در این رابطه موثر واقع شود به شرح ذیل‌اند:

اول: آموزش اعضای جامعه از طریق رسانه: از منظر علم حقوق یکی از روش‌هایی که می‌تواند کمک شایانی به پیشگیری از مطلق جرایم و همچنین اقسام رفتارهای فسادآلود کند استفاده از روش آموزش است. در این روش تلاش می‌شود تا از طریق ابزارهای مختلف و به ویژه رسانه و همچنین با کمک نهادهای مردمی و ایجاد یک جنبش فراگیر فعالانه از آحاد افراد جامعه، پیشگیری از جرم را به

مردم آموزش دهند. وسایلی که در این میان برای آگاهی بخشی بیشتر به مردم انتخاب می‌شوند می‌بایست با سطح تسهیلات و موقعیت زندگی اکثریت مردمی که این اطلاعات به آنها منتقل می‌شود مطابقت داشته باشد. اینجاست که رسانه‌های گروهی و در این رابطه نقشی با اهمیت و موثر بازی می‌کنند. رسانه‌های جمعی دارای قدرت و شعاع عمل وسیعی در میان توده‌های مردم می‌باشند و بدین سان به سبب آگاهی سازی می‌توانند کارکرد آموزش پیدایشگرانه داشته باشند. رسانه برای رسیدن به هدف پیشگیری از رفتارهای فساد آلود و آگاهی دادن به عامه مردم، باید با برنامه‌ریزی‌های خاص و توانمند به آموزش مردم بپردازد. این آموزش باید در سطح کلان معطوف به شناخت مفاهیم بنیادین ملی و امنیتی خصوصاً قانون اساسی و التزام و پای بندی به آن، احترام به قانون، درک مفاهیم اساسی چون حکومت، مردم‌سالاری، حق نظارت بر رفتار دولتمردان (موذن زادگان، ۱۳۹۲: ۱۵۳) و در سطح خاص معطوف به شناخت و تعریف مفهومی و مصداقی فساد، بیان پیامدهای ناگوار این عرضه، روش‌ها و راهبردهای مقابله با آن و نحوه گزارش‌دهی و پیگیری این معضل در مراجع نظارتی باشد.

از دیگر کارکردهای مهم رسانه‌ها در این ارتباط، شناساندن قانون و کیفی‌های مطروحه در آن به تمامی آحاد و کنشگران اجتماعی به منظور کاهش میزان ارتکاب رفتارهای فسادآلود است (روشندل، ۱۳۹۰: ۶۹) ناآگاهی و عدم اطلاع مردم و اعضای یک جامعه از پیام‌های کیفی و واجد ضمانت اجراهای سنگین می‌تواند زمینه پیشگیری از ارتکاب فساد را به شدت تضعیف کند. اما رسانه، خصوصاً رسانه‌های جمعی با مخاطب بالا با آموزش و تکرار و بیان این پیام‌ها می‌توانند زمینه آگاهی هر چه بهتر اعضای جامعه و خاصه مسئولین و خواصی که بیشتر در معرض رفتارهای فسادآلود هستند را فراهم آورند.

#### دوم: ارتقای سطح سواد رسانه‌ای در حوزه فساد

در الزام ارتباط موثر و کارآمد با اعضای جامعه از سوی رسانه‌ها در مقوله فساد، یکی از جهات مهم، تلاش بی‌وقفه رسانه‌ها در ارتقای سطح سواد رسانه‌ای حوزه مبارزه با معضل فساد است. فساد سیاسی همانگونه که در مفهوم شناسی آن بیان شد پدیده‌ای پنهان، چند وجهی، عمدتاً شبکه‌ای و دشوارالکشف است و این امکان وجود دارد که رهبران جریان‌های فاسد و قانون‌گریز با پیوند زدن خود به پاره‌ای از جریان‌های رسانه‌ای تلاش بسیاری در جهت تطهیر عملکرد خود نمایند و جامعه را از مجرای رسانه‌ها و شگردهای جاری آن در شناخت حق و باطل دچار اشکال و دشواری نمایند. سواد رسانه‌ای و مشتقات آن، سبب ارتقای سطح درک و شعور مخاطب شده و او را در برخورد با



رسانه‌های فاسد و همکار با باند‌های فساد یاری می‌نمایند و باعث می‌شود تحت تاثیر پیام‌های ناسالم و غیرواقعی آنان قرار نگیرد.

البته در دنیا و جوامع مدرن امروز بوا سطه تاثیر عمیق رسانه‌ها بر فرایند دموکراتیک شدن جامعه، استفاده بسیار زیاد مردم از رسانه، تاثیر رسانه بر شکل‌دهی ادراکات، عقاید و طرز فکرها، اهمیت روزافزون اطلاعات و ارتباطات تصویری و ضرورت یادگیری درازمدت و مداوم از طریق رسانه‌ها، آموزش سواد رسانه‌ای به مخاطبان در افقی بسیار کلی و مهم و در تمامی عرصه‌ها از جمله عرصه مقابله با پدیده‌ها و انحرافات اجتماعی واجد ارزشی دو چندان شده است. (نصیری، ۱۳۹۱: ۱۵۲)

سواد رسانه‌ای در فضای کنونی یکی از کاراترین و مطرح‌ترین شیوه‌های نظارتی است که موجب می‌شود مخاطب منفعل به مخاطب فعال و گزینش‌گر تبدیل شده و کمتر تحت تاثیر قاطبه و تمامیت پیام‌های رسانه‌ای قرار گیرد. همچنین سواد رسانه‌ای می‌تواند به ابزاری ارزشمند در جهت گسترش مهارت‌های تفکر انتقادی و نظارت‌گرا تبدیل شود که در برخورد با پدیده فساد به خوبی زمینه تاثیرگذاری نظارت اجتماعی را به نحوی موثر فراهم می‌آورد. (فلسفی، ۱۳۹۱، ۱۵۵)

حال با این توصیفات بهتر است، رسانه و اصحاب آن در الزام ارتباط موثر با اعضای جامعه، خود زمینه رشد و ارتقای سطح سواد رسانه‌ای مخاطبان در عرصه مقابله با فساد را فراهم آورند و با تجهیز اعضای جامعه به این توانمندی زمینه پیشگیری اجتماعی در این حوزه را کامل‌تر نمایند.

#### ۴ - ۸. ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی جهت مقابله با فساد

مقابله جدی با مقوله فساد سیاسی نیازمند اعتماد گسترده، همکاری م‌شفقانه و جدی آحاد مردم با راهبردها و برنامه‌های مقابله با فساد است. این همکاری و مشایعت را می‌توان تحت عنوان سرمایه اجتماعی مطرح نظر و توجه قرار داد. سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارها، ارزشها و الزامات موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجبات ارتقاء سطح همکاری اعضای یک جامعه را با یکدیگر و حاکمیت ناظر بر آنها فراهم می‌کند و در واقع موجبات ایجاد یک حیات جمعی موفق و سالم را مهیا می‌سازد. طبیعی است که در برخورد با معضل فساد، یک سرمایه اجتماعی قوی و مبتنی بر وفاق و همکاری می‌تواند زمینه مبارزه با پدیده فساد را از طریق افزایش عناصر اعتماد، مشارکت و در نهایت پاسخگویی اجتماعی به نحو احسن فراهم آورد و در اصل بوجود آمدن این سرمایه اثر رسانه بنا بر تحقیقات گوناگون و مختلف اثری غیرقابل انکار و تردید است و تنها از طریق ارتباط مستمر، سالم و شفاف میان مردم و جامعه رسانه‌ای بوجود می‌آید. (گیوریان، ۱۳۹۲: ۳۲)

## ۴ - ۹. ارتباط با نهادهای مبارزه کننده با فساد

با توجه به مخاطره‌آمیز بودن پدیده فساد برای هر نظام و حاکمیتی، عمده نظام‌های سیاسی جهت مقابله توانمند و موفق با این معضل یا دست به تاسیس یک نهاد تخصصی در این ارتباط می‌زنند و یا مجموعه‌ای از نهادها و دستگاههای دولتی و عمومی را موظف به برخورد و مقابله می‌کنند. این نهاد یا نهادهای موظف و متخصص در برخورد با فساد عمده دارای اطلاعات گسترده و وثیقی در این ارتباط هستند و به اصطلاح مالوف بانکهای اطلاعاتی هستند که رسانه از طریق ارتباط مداوم و مستمر با آنها می‌تواند استفاده شایان و قابل توجهی از این منابع جهت تهیه گزارشات و خبرهای خود نماید و در عین حال جامعه را از میزان جدیت و عملکرد فعال این نهادها در برخورد با پدیده فساد آگاه نماید.

از سوی دیگر نیز نهادهای مبارزه کننده با فساد بعلاوه توقیف به جایگاه ارزشمند رسانه و تاثیرات فراوان آن بر اجتماع خواهان همکاری و مشارکت بیشتر این بخش در زمینه مبارزه با فساد هستند. این علاقمندی از دو جهت و راستا قابل بحث و توجیه است: اول نقش بی‌بدیل رسانه در حوزه اطلاع رسانی و اینکه رسانه‌ها با انعکاس اخبار گوناگون و متفاوت در خصوص فساد که متوجه شهروندان یک جامعه است می‌توانند گام بزرگی در برجسته‌سازی این معضل ایفا کنند و اذهان عمومی را حساس و دغدغه‌مند نمایند، و دوم اثری است که رسانه می‌تواند در عرصه سیاست‌گذاری و تهیه و تدوین راهبردها و برنامه‌های نافذ ضد فساد از خود بروز دهد و به نوعی تبدیل به اطلاق فکر برای این مجموعه از نهادها شود و آنان را در سیاست‌گذاری‌های بهتر در این رابطه یاری نماید. (آرایی، ۱۳۹۱: ۸۲) بدیهی است به هر میزان ارتباط و اعتماد میان نهادهای مبارزه کننده با فساد با رسانه و اعضای آن بالاتر باشد به همان میزان راهبرد تجهیز رسانه‌ای نیز در ابعاد مختلف امکان موفقیت بیشتری می‌یابد و هر دو طرف این معادله از ارتباط بهره‌واری خواهند برد. رسانه جایگاه اطلاع رسانی و سیاست‌گذاری بهتر و مطمئن‌تری می‌یابد و زمینه اعتماد مخاطب به خود را افزایش می‌دهد و نهادهای تخصصی مبارزه کننده با فساد نیز از طریق رسانه مخاطب فراوانی خواهند یافت و با شفاف سازی بیشتر عملکرد خود زمینه همکاری اجتماعی در بحث مقابله با پدیده فساد را که ضامن موفقیت برنامه‌ای آنان نیز می‌باشد را به خوبی به دست خواهند آورد.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به الزامات بیان شده در خصوص راهبرد تجهیز رسانه‌ای در بالا به نظر می‌رسد در جمهوری

اسلامی ایران و در مقام نظر و وجود قوانین موید این الزامات مواردی به صورت کلی و موردی قابل طرح و بررسی است. به طور مثال بند دوم از اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف کرده است تا همه امکانات خود را در جهت بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و و سایل دیگر به کار بندد. همچنین اصل بیست و چهارم قانون اساسی نیز تحقق مهمترین الزام این راهبرد، یعنی تضمین الزام آزادی بیان و استقلال رسانه‌ای را که در واقع ضمانت اجرای تحقق واقعی این برنامه است بیان و تقنین کرده است. به موجب این اصل نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. هم چنین در قوانینی دیگر هم چون قانون مطبوعات نیز مواردی چون حق آزادی مطبوعات جهت بیان نظرات و انتقادات سازنده خود (ماده سوم) و ممنوعیت اعمال فشار بر مطبوعات جهت سانسور و کنترل مطالب (ماده چهارم) مورد طرح و پذیرش واقع شده است. بنابراین به نظر می‌رسد در جهت تحقق الزامات اساسی این راهبرد به لحاظ حقوقی و زمینه‌ایه دچار دشواری و محدودیتی خاصی نمی‌باشیم و این خود نکته‌ی با ارزش و با اهمیت در این ارتباط است. اما به نظر می‌رسد این تمام ماجرا نیست و قواعد حمایتی از راهبرد تجهیز رسانه‌ای در کشور هم نیاز به تقضیل بیشتر در منطق نظر و هم همکاری بیشتر و عملیاتی در عرصه عمل دارد. جامعه رسانه‌ای ایران در برخورد با مقوله فساد چندان و وضعیت مناسبی ندارد و نیازمند اصلاحات بسیار است. امروز جامعه رسانه‌ای در ایران اولاً به دلیل نبود یک سند قانونی جامع و مشخص که به نوعی پوشش دهنده تمامی الزامات بیان شده در بالا باشد و دوم به دلیل وابستگی مالی و سیاسی به بعضی جریان‌ها و احزاب سیاسی و یا بدنه عمومی حاکمیت با قبول ملاحظات سیاسی در افشای بسیاری از مفاسد، جانب احتیاط را نگه داشته و موجب گسترش فساد گردیده است. دوم این که به دلیل نبود یک تعریف مشخص و مبرهن بین دو رابطه‌ای افشای مصادیق فساد و آبروی مدیران، جامعه رسانه دچار تناقضی نامیمون شده است. سوم: نقش گروه‌های فشار دولتی و پنهان در میزان افشاگری رسانه‌ها در زمینه فساد، یکی دیگر از نقاط ضعف عملکرد جامعه رسانه‌ای در این مورد است. تهدید و ارباب‌های حزبی و جناحی گاهاً سبب شده است تا گروهی از اصحاب رسانه به طور کلی پای خود را از موضوع فساد بیرون کشیده باشند و به نوعی برای خود در دسری ایجاد نکنند. چهارم: مشکلات عدیده صنفی و اداری و از همه مهمتر نبود منابع کافی مالی جهت اداره آبرومندانه رسانه زمینه انفعال و یا حتی گاهاً بروز فساد در جامعه رسانه را به وجود آورده است. پیشنهاد اصلی این تقریر در گام اول تصویب یک سند قانونی منسجم و مشخص با موضوع تحقق الزامات اصلی بیان شده در بالا است. قانون و طرحی که به نوعی نظام

جامعه رسانه‌ی جدیدی را در برخورد با مقوله فساد به منصفه ظهور رساند. هم چنین حاکمیت و به طور خاص دولت در مقام عمل با یک اراده سیاسی قاطع و اثرگذار به کمک و تایید جامعه رسانه‌ای مشغول شوند و در تحقق عملی این دسته از الزامات تلاش نمایند و اجازه دهند رسانه و اصحاب آن در کارزار مبارزه با فساد به سهم واقعی و موثر خود دست یابند. امری که تحقق آن قطعاً در مقوله مبارزه با فساد سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران مفید فایده و موثر خواهد بود.

## منابع

۱. ابراهیم آبادی، غلامرضا، ۱۳۸۳، *فساد و ابعاد آن*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
۲. آرای و دیگران، ۱۳۹۱، *(جایگاه رسانه‌های جمعی در سیاست گذاری مبارزه با فساد)*، نظارت و بازرسی، ش ۲۲.
۳. بهرمند، حمید، ۱۳۸۷، *(نقش جریان آزاد اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد)*، مجلس و پژوهش، س ۴، ش ۵۸.
۴. بهرمند، حمید، ۱۳۸۸، *(نهادسازی پیشگیری از فساد)*، تهران، معاونت آموزش نیروی انتظامی.
۵. بیگلر، محمود و دیگران، ۱۳۹۳ *فساد و سلامت اداری*، تهران، تندیس.
۶. پآتی افوسو، اماد و دیگران، ۱۳۸۴، *چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
۷. خسروی، علیرضا، ۱۳۸۱، *(نقش رسانه‌های جمعی در مبارزه با فساد)*، جام هفته، ۲۹۶.
۸. ذاکر صالحی، غلامرضا، ۱۳۸۸، *راهبردهای مبارزه با فساد اداری*، تهران، جنگل جاودانه.
۹. راغفر، حسین، ۱۳۸۱، *دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی*، تهران، نقش و نگار.
۱۰. ربیعی، علی، ۱۳۸۳، *زنده باد فساد*، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۸۳.
۱۱. رحمت الهی، حسین، ۱۳۸۳، *(فساد و حکومت: علل و راهکارهای برون رفت)*، اندیشه‌های حقوقی، س ۲، ش ۷.
۱۲. روش‌سندل اربطانی، طاهر و دیگران، ۱۳۹۰، *(تبیین مدل کاربرد رسانه‌های جمعی برای پیشگیری از ارتکاب جرم)*، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ش ۱۳.
۱۳. رهبر، فرهاد و دیگران، ۱۳۸۱، *بازشناسی عارضه فساد مالی*، ج ۱، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۴. رهبر، فرهاد و دیگران، ۱۳۸۱، *بازشناسی عارضه فساد مالی*، ج ۲، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۵. ساداتی، سیدنصراله، ۱۳۸۹، *(تبیین نقش نظارتی رسانه‌ها با تاکید بر نقش رسانه ملی)*، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۱۹.
۱۶. فلسفی، سید غلامرضا، ۱۳۹۱، *(رویکرد تطبیقی به سواد رسانه‌ای در کشورهای توسعه یافته)*، مطالعات رسانه‌ای، ش ۲۴.
۱۷. گیوریان، حسن، ۱۳۹۲، *(نقش رسانه‌های جمعی در کنترل فساد اداری)*، مطالعات

- رسانه‌ای، س ۸، ش ۱۷.
۱۸. گیوریان، حسن، ۱۳۹۱، *(بررسی تاثیر رسانه بر سرمایه اجتماعی)*، مطالعات رسانه‌ای، س ۷، ش ۱۶.
۱۹. محسنیان، سیدعلی، ۱۳۸۷، *(پیش‌نیازهای نظری و الزامات قانونی نظام جامع حقوق رسانه‌ها)*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
۲۰. معصومی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، *(پیشگیری اجتماعی از فساد)*، مجله حقوقی دادگستری، س ۷۱، ش ۶۱.
۲۱. موذن زادگان، حسنعلی و دیگران، ۱۳۹۲، *(نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی)*، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۴.
۲۲. نصیری، بهاره و دیگران، ۱۳۹۱، *(اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در قرن بیست و یکم)*، مطالعات رسانه‌ای، س ۷، ش ۱۸.
۲۳. نجات‌بخش، علی اکبر و دیگران، ۱۳۸۷، *(نقش رسانه‌های جمعی در پیشگیری از بحران‌ها)*، پژوهش‌های ارتباطی، ش ۵۶.
۲۴. هیوود، پل، ۱۳۸۱، *فساد سیاسی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
25. Global action against corruption;2004, United Nation Office on Drugs and Crime, Vienna.
26. Langhest,peter,2004, The global program against corruption; Un Anti-corruption toolkit; United nation office on drugs and crime; Third Edition; Vienna.
27. pope; J.2000, The TI source Book; Berlin, Transparency International.